

استاد به شاگرد پیوست

«ملوان» را برای همیشه به یادگار گذاشت

۲۷ سال پس از رفتن

سیروس قایقران از این

سرا، مربی او، استاد بهمن

صالح‌نیا نیز، در ۸۷ سالگی

بدو پیوست و باشگاه ملوان را

در فوتبال این آب و خاک، از

خود به یادگار گذاشت و چه یادگار مانایی!

مرحوم صالح‌نیا از نسل مربیانی بود که جوانمردی، اخلاق و غیرت را پا به پای فوتبال به شاگردان خویش آموزش می‌دادند؛ نسلی که فوتبال برای‌شان کاسبی نبود، بلکه مدرسه بود، عشق بود، همه چیز بود. نسلی که فوتبال، غیرت و تعصب را والاتر از پول می‌دانست، اگر چه در زمانه‌شان نیز پول چندانی در فوتبال نبود. مرحوم صالح‌نیا با عشق و شوق تیم ملوان را در زادگاهش بنیان نهاد و برای اعتلایش عرق‌های جبین ریخت و تلاش‌ها مصروف داشت. از دل همین تیم، غفور جهانی و زنده‌یاد سیروس قایقران را در بالاترین سطح تحویل فوتبال ملی داد و در کنار این دو، بازیکنان مطرحی چون عزیز اسپندار، محمد حبیبی، فرزاد سبیری، جاوید جهانگیری، نصرت ایراندوست، محمد احمدزاده، بهروز پرورش‌خواه، اسماعیل قوبدل و... را به فوتبال ایران معرفی کرد.

ملوان او نخستین قهرمان جام حذفی کشور در سال ۱۳۵۵ شد و پس از انقلاب نیز ۵ بار دیگر در فینال این مسابقات حاضر شد که در ۲ فینال آن مجدداً جام را به‌ انزلی برد، از این حیث هنوز هم مرحوم صالح‌نیا پرافتخارترین مربی ایران است. ملوان با هدایت این مربی کاردان و دلسوز، تا اوایل دهه ۷۰ بهترین تیم شهرستانی و از قطب‌های اصلی فوتبال ایران بود. با ورود پول‌های افسارگسیخته به فوتبال و مرحوم بودن ملوان شهرستانی از آن سفره، این تیم رفته‌رفته از صدر فوتبال ایران فاصله گرفت و حتی چند بار سقوط به دسته پایین‌تر را نیز تجربه کرد؛ آنچه ملوان را تیم کرد و در ردیف قدرت‌های فوتبال ایران قرار داد، دانیایی، کاربلدی و سختکوشی زنده‌یاد صالح‌نیا بود؛ مربی‌ای که با همت و البته سختگیری‌هایش بسیاری از کاستی‌های مادی ملوان را جبران کرد و عشقش ملوان را در حضور استقلال و پرسپولیس به بالای پام فوتبال ایران رسانده بود. افسوس که پولدار شدن رقبا و بی‌پولی این تیم محبوب و شایسته شهرستانی، باعث کوچ ستاره‌های نامی آن سال‌های ملوان و افت تدریجی قوی سپید انزلی شد، تا جایی که ملوان، دیگر آن ملوان سابق نباشد!

کاردانی و کاربلدی مرحوم صالح‌نیا که در درخشش ملوان و ظهور ستارگان آن تبلور یافت، باعث شد ۲ مربی بزرگ فوتبال ملی ایران، اوفارل و زنده‌یاد دهن‌داری، او را به عنوان دستیار خود در تیم ملی قبل و بعد از انقلاب برگزینند. همچنین وی در سال‌های ابتدای دهه ۷۰، هدایت تیم ملی جوانان ایران را نیز تجربه کرد.

سرانجام مربی‌ای سختکوش از نسل دوست‌داشتنی

فوتبال ایران در ۸۷ سالگی در رقابت با بیماری، مغلوب شد

و روی در تقاب خاک کشید تا نام و هویت ملوان، یادگار

جوادان او در فوتبال ایران و برای انزلی‌چی‌ها باقی بماند.

اگر عصاره عمر زنده‌یاد صالح‌نیا را فقط ساختن یک

تیم ماندگار و سال‌ها مربیگری آن، زندگی و عشق با تیم

محبوبش، پرورش شاگردانی برجسته و آموختن راه و

رسم فوتبال و جوانمردی بدان‌ها بدانیم، عجب زندگی

قشنگ و پر ثمری کرد استاد صالح‌نیا! زندگانی‌ای که با

باقی گذاشتن نامی نیک برای خودش و یادگاری نکو

برای جوانان دیارش خاتمه یافت، زندگی خوش‌عاقبت

و شرافتمندانه‌ای که آرزوی هر کسی است!

صالح‌نیا رفت، در حالی که حاصل عمر و تلاشش با همه سختی‌ها، پسان اغلب هم‌نسلاش نامی نیک شد و عجب سرنوشت خوشی!

روح‌ت شاد و بیادت مانا مونس و مربی ملوان دوست‌داشتنتی.

خبر

مقایسه بازیکن تیم ملی فوتبال

ایران با بازیکن مشهور بارسلونا



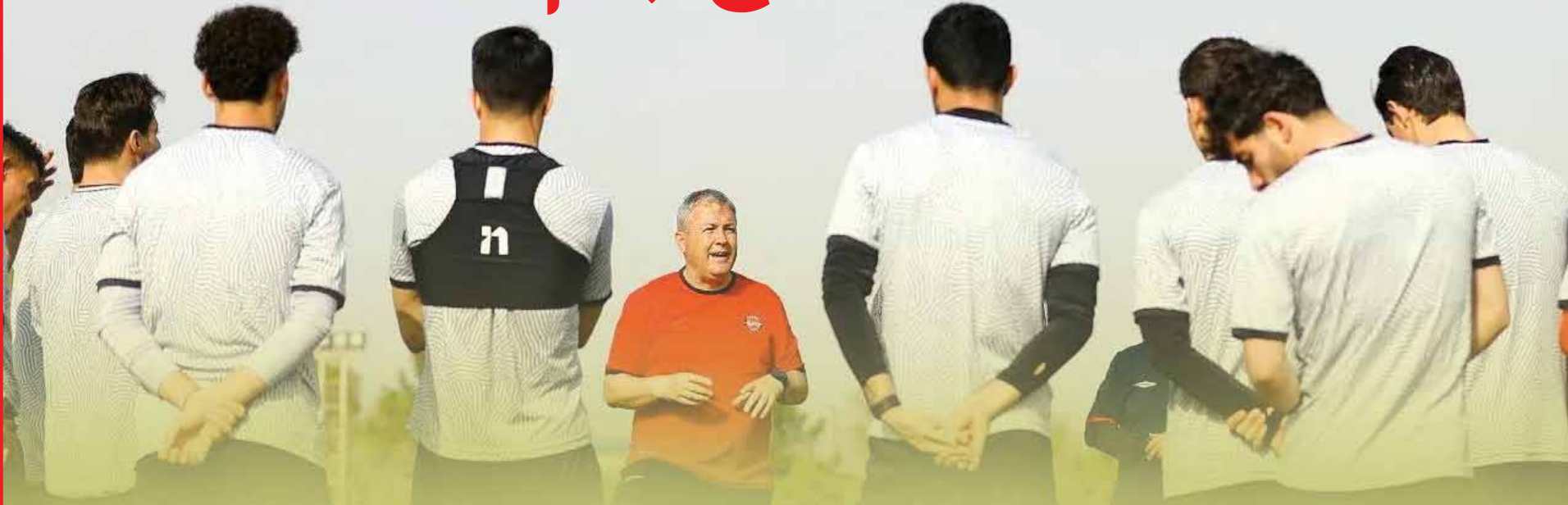
رسانه لهستانی در گزارشی به تجعید از بازیکن ایرانی تیم فوتبال لخ پوزنان پرداخت و از او مانند لامین یامال (بازیکن بارسلونا) یاد کرد.

تیم‌های فوتبال لخ پوزنان و پوشچا در هفته سی‌ویکم لیگ لهستان شامگاه شنبه ۱۳ اردیبهشت به مصاف هم رفتند که این بازی در نهایت با برتری ۸ بر یک لخ پوزنان خاتمه یافت.
علی قلی‌زاده، هافبک ایرانی لخ پوزنان از ابتدا در ترکیب تیمش حضور داشت و توانست ۲ گل و یک پاس گل به نام خود به ثبت برساند و ششی فراموش‌نشدنی را برای خود رقم بزند.

رسانه «gol24» لهستان در این باره نوشت: نمایش باورکردنی قلی‌زاده؛ ستاره ایرانی تا دقیقه ۱۶ دیدار لخ پوزنان مقابل پوشچا موفق شد ۲ گل به ثمر برساند و یک پاس گل بدهد. او بازیکنان حریف را یکی پس از دیگری مثل مانع تمرینی پشت سر می‌گذاشت! با درخشش قلی‌زاده، لخ پوزنان خیلی سریع با نتیجه ۳ بر صفر از حریف پیش افتاد. او مانند لامین یامال (بازیکن بارسلونا) برای لخ پوزنان می‌ماند. قلی‌زاده در هفته‌های اخیر بهترین بازیکن تیم لخ پوزنان بوده و در این مسابقه هم تنها در عرض ۱۵ دقیقه کار حریف را تمام کرد. ابتدا با یک شوت زیبا گل اول را زد، سپس با عبور از چند بازیکن حریف، گل دوم را هم خودش به ثمر رساند. در ادامه هم با یک پاس دقیق، میکائیل ایساک را در موقعیت گل سوم قرار داد.
باین درخشش فوق‌العاده، لخ پوزنان خیلی زود کنترل کامل بازی را در دست گرفت و خود قلی‌زاده هم آمارش را بهبود بخشید. این بازیکن در این فصل در ۳۰ بازی، ۷ گل زده و ۶ پاس گل داده است.

نقش ویژه خرید ستاره‌های رقیب برای قهرمان شدن در لیگ بر تر

نقشه فتح جام



اماد در دل این سناریو، یک سؤال همچنان باقی است: آیا می‌توان با خریدن موفقیت، آن را حفظ کرد؟ تاریخ نشان داده قهرمانی اگر بر ستون‌های لرزان بنا شود، فروپاشی‌اش چندان دور نیست و اگر تیمی تنها با تضعیف دیگران بالا رود، باید برای تکرار آن، همیشه در کمین باشد؛ کمینی بی‌پایان.

با این حال، فعلاً نوبت جشن در تبریز است. شهری که ۵۵ سال حسرت قهرمانی داشت، حالا لبریز از شور و شادی است و مردی که پشت این موفقیت ایستاده، محمدرضا نوزی، فعلاً از پنجره دفترش در باشگاه تراکتور، قهرمانی را نه در جام، بلکه در نقشه‌ای می‌بیند که دقیق اجرا شد.

فوتبال ایران وارد مرحله‌ای تازه شده؛ جایی که رقابت فقط درون زمین نیست. حالا دیگر، پیروزی می‌تواند از جلسه‌ای خصوصی یا تماس تلفنی در شبهای داغ تابستانی آغاز شود. قهرمان، شاید آن باشد که بهتر بلد است شطرنج بازی کند، نه لزوماً آنکه قوی‌تر بدود.



بابرین مونیخ سال‌ها در آلمان چنین می‌کرد. ستاره‌های دور تموند و لایبزیشر را می‌بلعید تا خود بی‌رقیب بماند. حالا اما این روش، با کمی تأخیر، به فوتبال ایران هم رسیده. شاید نوزی نخستین کسی بود که این ترفند را با مهارتی قابل تحسین به کار بست اما قطعاً آخرین نخواهد بود.

قهرمانی تراکتور البته فقط به دلیل این یارگیری هوشمندانه نبود. کادر فنی منسجم، مدیریت آرام‌تر از فصول گذشته‌ت و بازیکنانی که انگیزه‌ای دوچندان داشتند نیز، نقش ایفا کردند. ولی نمی‌توان انکار کرد بخشی از مسیر این موفقیت، از تضعیف مستقیم رقیب اصلی عبور کرده است.

اکنون که نتایج این رویکرد روشن و قابل مشاهده است، بعید نیست باشگاه‌های دیگر نیز وسوسه شوند تا همین مسیر را بروند. شاید در نقل‌وانتقالات پیش رو، شاهد هجومی سراسری به ستاره‌های تیم‌های موفق باشیم، بازاری پرریاهو، پر از وعده و عده‌های وسوسه‌کننده، در کمین قراردادهایی که هنوز جوهرشان خشک نشده.

این همان استراتژی‌ای بود که تراکتور را به جایگاه نخست رساند. پرسپولیس، مدافع عنوان قهرمانی، هنوز در پیچ و خم تمدید قرارداد با ستاره‌هایش بود که زمزمه‌هایی از شمال غرب سبز نمی‌سازند، بلکه بیرون از آن، روی میزهای مذاکره، در جلسات بی‌پایان و تصمیم‌هایی که بوی ریسک و قدرت می‌دهند، تولدش رقم می‌خورد. حکایت این فصل لیگ برتر، با تیمی به پایان رسید که سال‌ها تشنه یک جام بود؛ تراکتور، تیمی از تبریز که حالا دیگر با نامش لرزه یک تن مدعیان می‌افتد.

اما این قهرمانی، یک رمز داشت. رمزی که نامش در هیاهوی نقل‌وانتقالات پیچید: نوزی. محمدرضا نوزی، مالک بلندپرواز تراکتور، فصل‌آخر بر خلاف روال همیشگی، فقط به خرید ستاره‌های پراکنده بسنده نکرد. او این بار نقشه‌ای کشید که تنها خریدن بازیکن نبود، بلکه بازی کردن با ستون فقرات رقیب بود. اگر نمی‌توانی همه را ببر، کافی است قوی‌ترین را ضعیف کنی و

در ادبیات فوتبالی جهان، این استراتژی نامی شناخته‌شده دارد.

گمانه‌زنی درباره تیم فصل بعد طارمی

مهدی در فلورانس؟

تابستانی باشگاه

اینتر که او را رایگان به دست آورده بود، حالا به سود فکر می‌کرد. همان بازی قدیمی: بازیکن آزاد را بگیر، بازی بده، بفروش. شایعه‌ها از رقم‌های میان ۸ تا ۱۰ میلیون یورو حرف می‌زد و در دنیای امروز فوتبال، این عددها بزرگ نیستند اما کافی‌اند برای آنکه تیمی مثل فیورنتینا وسوسه شود.

فیورنتینا؟ همان تیم بنفش پوش فلورانس، تیمی با تماشگرانی بولفا و جاهطلبی‌هایی فروخورده. حالا آنها طارمی را می‌خواهند با دست‌کم می‌خواهند او را بخشی از یک معامله کنند. شاید او را، شاید رویاهای نیمه‌تمام خود را به این شکل رنگ بنفش بزنند.

اما پشت این نقل‌وانتقال، فقط خواست فیورنتینا نیست. اینتر هوشمندانه پیش‌نویس معامله‌ای را نوشته: طارمی را بده، یکی از میان کوموتسو یا مویزه کین را بگیر. فوتبال، این روزها شبیه بازار فرش شده. بازیکن‌ها نه فقط مهره‌هایی در میدان، بلکه سکه‌هایی در حساب‌های مالی‌اند و طارمی، ناخواسته، حالا یک سکه در تراز مالی باشگاه‌ها شده.

در همین اثنا، صدای ایجنت طارمی می‌آید. همان نوار همیشگی: «مهدی در اینتر می‌ماند. قرارداد دارد. قصد جدایی نیست». اما کدام قرارداد در فوتبال امروز، ضمانتی برای ماندن است؟ وقتی سود در رفتن باشد، ماندن فراموش می‌شود.

با این حال، بازار بی‌مشتري نیست. از ترکیه گرفته تا عربستان، باشگاه‌هایی که دنبال نام‌های بزرگند، به صف شده‌اند اما طارمی

هادی ساعی: اختلاف ناهید و مبینا ساخته ذهن دشمنان است

رقابت درون تیمی، نه دشمنی

محل مسابقه حضور نداشته و صرفاً بر اساس شنیده‌ها صحبت کرده است. وی افزود: شخصاً در محل بودم و کوچک‌ترین نشانه‌ای از بی‌احترامی یا اختلاف مشاهده نکردم.

درباره مساله رقابت این ۲ قهرمان در یک وزن نیز ساعی توضیح داد: در مسابقات غیرالمپیک، آنها در اوزان مختلف شرکت خواهند کرد و تنها برای المپیک ممکن است در یک وزن باشند. وی گفت: در صورت نیاز، چندین مرحله انتخابی برگزار خواهد شد تا شایسته‌ترین فرد اعزام شود، بدون اینکه حقی از هیچ‌کدام ضایع شود.

رئیس فدراسیون تکواندو در پایان بار دیگر تأکید کرد هیچ اختلافی میان ناهید کبانی و مبینا نعمت‌زاده وجود ندارد و هر دوی آنها سرمایه‌های ارزشمند ورزش ایران هستند.

پس از لحظه‌ای، آنها با یکدیگر دست می‌دهند و میدان را ترک می‌کنند. ناراحتی کبانی پس از باخت امری طبیعی است و نیاید با آن داستان‌سرایی کرد».

رئیس فدراسیون همچنین افرادی را که به گفته او قبلاً در فدراسیون مسؤولیت داشته‌اند، متهم به دامن زدن به این شایعات کرد و گفت: «این افراد تاب موفقیت‌های ما را ندارند. من سکوت را کنار می‌گذارم و در برابر این حاشیه‌سازان می‌ایستم». در پاسخ به اظهارات رحیمی نیز، ساعی تأکید کرد دبیر فدراسیون (رحیمی) در



صفحه رسمی فدراسیون، شدت گرفت و فضای رسانه‌ای را متشنج کرد. حتی اصغر رحیمی، دبیر فدراسیون، در اظهارنظری اعلام کرده بود در صورت ادامه اختلافات، احتمال کنار گذاشتن هر ۲ ورزشکار وجود دارد.
هادی ساعی اما در واکنش به این اظهارات و شایعات، ضمن ابراز ناراضایتی شدید از انتشار چنین اخبار نادرستی، صراحتاً اعلام کرد: «فیلم مسابقه موجود است و به وضوح نشان می‌دهد پس از اتمام رقابت، مبینا نعمت‌زاده، ناهید کبانی را صدا می‌زند و

[موندوپورتوو]

سلاح مخفی



[مارکا]

حالا ال کلاسیکو



[کوریره]

همه برای یکی



[گاتزتا]

اینتر، من اینجام



[اس]

یک فینال در مونته‌جوییک

